

آغاز گفتگوهای حزبی نورالدین کیانوری با نسل جوانی که به حزب پیوسته بودند

حزب ما در شرایط کار مخفی

سازمان نوید در نهضت انقلابی جهان

س: درباره فعالیت های حزب از سال های 35 به بعد که سازمان های حزب در ایران متلاشی شد، تدارک برای مبارزه علیه رژیم پس از قیام 15 خرداد 42 و همچنین فعالیت حزب در داخل ایران بین سال های 42 تا 50 و از 50 تا کنون توضیح دهید.

ج: سال هایی که منجر به متلاشی شدن تشکیلات تهران گردید، یک دوران تأثر انگیز فعالیت تشکیلاتی حزب ما در ایران است. در مهاجرت وضعی پیش آمد که متأسفانه شهریاری توانست خودش را در حزب جا بزند و از اشتباه رفقای که در آن دوران مسئولیت رهبری حزب را داشتند سوء استفاده کند. ما شهریاری را در سال 1339 به علت نداشتن صلاحیت سیاسی و عدم اعتماد از حزب اخراج کردیم. بعد، به علت تغییراتی که در کادر رهبری حزب رخ داد، تمام تشکیلات داخل کشور در دست رفیق رادمش متمرکز شد. البته او یک رفیق کمونیست وفادار است، ولی چون از نظر تشکیلاتی بی تجربه بود، فریب شهریاری را خورد و با وجود آنچه گذشته بود، بر اثر همین بی تجربگی در زمینه کار تشکیلاتی، مسئولیت مهمی به او داد و به ایران روانه اش ساخت. در نتیجه، یک دوران واقعاً تأثر انگیز کار تشکیلاتی ما در ایران شروع شد. عناصر واقعاً انقلابی که به سازمان حزب ما روی آوردند، به چنگ پلیس افتادند. تعدادی از بهترین کادرهای ما که ما از خارج به ایران فرستادیم، یا دستگیر شدند مانند رفیق خاوری، و یا شهید شدند مانند رفیق حکمت جو. بعضی ها هم پنهانی به دست دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند، مانند رفیق معصوم زاده و رفیق سرگرد رزمی و عده ای دیگر هم به دام افتادند. دوران فوق العاده سختی بود، اما سرانجام حزب توانست ریشه این جریان را کشف کند و به محض کشف آن، در جهت خنثی کردنش ضربه اساسی را وارد آورد. در سازمان حزبی تغییرات اساسی به وجود آمد. در سال های 49 یا 50 کار ما از نو شروع شد. بدون هیچگونه ابایی، و خیلی صریح باید بگویم که بعد از جریان شهریاری، ما همه چیز را از صفر شروع کردیم، یعنی حتی یک ارتباط واحد و تک هم با داخل ایران نداشتیم. اما این بار، بر اساس یک سیستم تازه کار تشکیلاتی - سیستم غیر متمرکز - توانستیم سازمان هایی را که به وجود آمد، از چنگ ساواک که نیرومندترین دوران خود در ده سال اخیر را می گذراند، حفظ کنیم و در امان نگه داریم. در این دوران، هیچ یک از گروه های ما به چنگ ساواک نیفتاد. ما گروه های بسیار تشکیل دادیم، و این ها غیر از گروه هایی است که بدون ارتباط با مرکز حزب در ایران به وجود آمدند و توانستند خود را حفظ کنند. ما در آستانه انقلاب بیش از 60 گروه تازه حزبی با مقیاس های مختلف داشتیم. از گروه های کوچک گرفته، تا گروه ها و سازمان های بزرگ، که بزرگترین آن ها سازمان «نوید» بود. کار انقلابی سازمان «نوید» در نهضت انقلابی جهان کار برجسته ای است. زیاد نیستند احزاب برادری که در کشور های فاشیستی،

در اوج قدرت فاشیسم در کشور خود توانسته باشند چنین سازمانی به وجود بیاورند و آن را از دسترس فاشیسم حفظ کنند، و بالاتر از همه، بتوانند یک روزنامه سرتاسری به طور منظم منتشر سازند. در تمام کشورهای فاشیست زده جهان، این یک واقعه نادر است. حزب کمونیست آلمان که پس از حزب کمونیست اتحاد شوروی بزرگترین حزب با تجربه دنیای آن زمان بود، در دوره سلطه فاشیسم بر کشور خود، نتوانست به چنین موفقیتی دست یابد و تا آخر هم موفق نشد یک روزنامه سراسری در آلمان منتشر سازد. البته شرایط اختناق فاشیسم آلمان از اوضاع ایران به مراتب دشوارتر بود. ما به کار سال های اخیر انقلابیون ایران که به ما کمک فراوانی کرده اند، به همه مبارزان جوانی که در صفوف حزب ما به مبارزه ادامه می دهند، به همه این ها، با سربلندی و افتخار می نگریم. به خصوص برای سازمان «نوید» احترام و اعتبار خاصی قایل هستیم، چرا که این رفقا وظیفه فوق العاده دشواری را به عهده گرفتند. با امکانات بسیار ناچیز خود شروع کردند و پیروزی بزرگی به دست آوردند. این را بگویم رفقا! که سازمان «نوید» ابتدا با دو نفر شروع به فعالیت کرد.

یک زن و مرد جوان که با یک کودک نوزاد در اتاق کوچکی زندگی می کردند، **نخستین چاپخانه مخفی** حزب را به وجود آوردند و توانستند کار آن را گسترش بدهند. تیراژ آخرین شماره «نوید» که در چاپخانه مخفی حزب به چاپ رسید، 60 هزار بود که در سراسر ایران پخش شد، و ده ها هزار شماره دیگر نیز توسط سایر گروه ها مخفیانه تکثیر و چاپ شد. در شب های پیش از انقلاب، که نوید دیگر علنی به چاپ می رسید و پخش می شد، تیراژ آن به 240 هزار رسید.

کار تشکیلاتی ما، این سابقه را دارد. اکنون ما باید با ابعاد و اشکال دیگری کار کنیم. در این مرحله، احتیاج مبرمی به کادر داریم. تعداد کادر ورزیده ما زیاد نیست. ارتش انقلابی فوق العاده وسیع است و باید این ارتش انقلابی را متشکل کرد، تجهیز کرد و به راه درست راند. زیرا گرایش های نادرست، فوق العاده زیاد است. با این گرایش ها باید شدیداً مبارزه کرد. مبارزه تئوریک، مبارزه تشکیلاتی و مبارزه برای موجودیت. همه این ها کارهایی است که ما را به خود مشغول کرده است. متأسفانه، نیروی اساسی ما در حال تحلیل رفتن است. همین دیروز، شنیدید که یکی از بهترین و برجسته ترین رفقای ما، رفیق قدوه، با ما بدرود گفت. او رفیقی بود که 45 سال در کنار صدیق ترین یاران حزب مبارزه کرده بود.

به این جهت، ما به کمک دوستانی که فکر می کنند راه حزب درست است، احتیاج فراوان داریم. آن ها باید با فعالیت به مراتب بیشتر و فداکاری هر چه افزون تر، به ما کمک کنند.